

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق
۱۳۸۸/۹/۲۷

اجاق همسایه

آه کابل

شرر در دشت و در سنگر گرفته
کمین تا آن سوی خیبر گرفته
به جان آمد چنان کابل زجورش
که از آتش پشاور در گرفته

تن اندیشه

تن اندیشه ات ناجور گشته
ازان جور تو جور اجور گشته
زدی آتش به کابل انجانی
که از دودش پشاور کور گشته

اجاق همسایه

اجاق آتشی را کردی آباد
که دودش دودمانت داده بر باد
به دستت ریشه ات را کندی از بیخ
تورا بادا فراموش و مرایاد

حمام خون

چرا همسایه همسوی جنونی
چه حاصل می بری از این زبونی
به خونم گرچه گشتی تشنه هشار
که خود هم کشتی حمام خونی

نستوه

درینجـا اندکی انبوه سازند
ز هر کاهی به آنی کوه سازند
نمی بینی که از خونخواره ای چند
دلاور مردمی نستوه سازند

سایه اهریمن

کجا گیرم سراغ دامنی را
نمی گیرد کسی دست مَنی را
اهورا از چه افکنده به هرسو
به هر سر سایه اهریمنی را

دیگ صبر

به هر جا بگذری در دشت و در در
نمی بینی به جـز از دیده تر
بیا فکری به حال زندگی کن
که دیگ صبر دلها رفته از سر

ریزش آوار

تو را اقرار این ادبار سخت است
که پیکارت به ما این بار سخت است
قـرارِ ریزش دلهای ما بود
فرار از چنگ این آوار سخت است

نرم افزار هوش

چو نرم افزار هوش شرم گردد
به دست هر چه سختی نرم گردد
خُنک گردد دل آئینه آنروز
که دیدار محبت گرم گردد

طوفان سیاه

نمی دانم چه بلوایی به راهست
که راه شهر ما هم فکر چاهست
سراغ روشنی را از که گیرم؟
افق در دست طوفان سیاهست

اژدر حافی

پی هر مثبتی منفی میاور
به نرخ فکر مردم فی میاور
برای قلع و قمع آرزوها
زهر سواژدر حافی میاور

<http://norollahwosuq.blogfa.com/>